

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داود موسی
نومبر، ۲۰۰۸

علاج درد افغان

آنان که به نشرات فارسي صدای امریکا (رادیوي آشنا) آشنایی داشته به آن گوش میدهند، ممکن شام پنجشنبه مصاحبه جناب داکتر وحید وحیدالله را به زبان های فارسي و پشتو با رادیوي مذکور شنیده باشند. بد بختانه بنده گفتار و نظریات شان را يك سر مملو و آکنده از کلیشي Cliche يافتم. کلیشي آنست که يکي براي حل ساده يك مشکل بغرنج، يك پیشنهاد ساده اما عوام فریبي را عرضه نماید. مثلاً در زبان پشتو اگر بگوئیم "شه کوي، بد مه کوي"، هیچ کسي جرأت رد این گفتار ما را نخواهد داشت، اما طوري که میدانیم، مشکل اساسي در دنيای امروزي در تفریق میان "شه" و "بد" است. جناب داکتر صاحب که به گفته خود شان طراح اصلي پروسه بن بودند، مشکلات سياسي، اقتصادي و اجتماعي امروزي کشور ما را ناشی از عدم تطبیق در خور فورمولهاي مجرب خود میدانند. باید بگوئیم که من درین پندار، موقف داکتر صاحب را به خوبی درک کرده میتوانم. چه خودم نیز مثل ایشان دهه هاي ۸۰ و ۹۰ را در عالم مهاجرت و جلاوطني به سر برده ام، اما من هم که با سقوط رژیم طالبان دوباره به وطن برگشتم، متوجه میشوم که چقدر گرفت، تحلیل و قضاوت داکتر صاحب درین مسائل عیناً شبیه گرفت، تحلیل و قضاوت هفت سال پیش من می باشد. ازینست که اکنون که من وقتاً فوقتاً به خارج سفر میکنم و دوستان به منظور کسب معلومات از احوال وطن به گرم جمع میشوند، جواب من برای شان همین است که برای فهم درست این اوضاع باید يك چند ماهي را در افغانستان به سر ببرند. در غیر آن بحث من با ایشان از دو نقطه دید کاملاً متفاوت و بي نتیجه خواهد بود. بدبختانه تحلیل هاي جناب داکتر صاحب نیز به نظر من ناشی از دید شان از يك درجه بیست سال قبل می باشد. داکتر صاحب مدعي بودند که نسخه اي که جناب شان من حیث طرح بن به افغانستان مریض داده بودند، ناشی از تشخیص مجربي بود ولي دوا به وقت و مقدار درست تطبیق نگریدید. ایشان می گفتند که چرا با سقوط رژیم طالبان، سران آن دولت قلع و قمع نشدند؟ چرا به تفنگ سالاران درحکومت جدید حق دخالت داده شد؟ چرا سلاح از دست مردم کشیده نشد؟ چرا کشت کوکنار منع نشد؟ و چرا... در حالی که این همه سوالاتي می باشند که بعد از واقعه در ذهن همگی ما خطور نموده اما حق طرح آن را تنها کسانی دارند که قبل از واقعه متوجه آن گردیده و به دیگران هشدار داده باشند. بهتر است روي يك چند موضوع به خصوص مطروحه شان عطف توجه کنیم:

جناب شان فرمودند که باید در اولین لویه جرگه بعد از کنفرانس بن، تعیین اعضاي جرگه از طریق عنعنوي يعني توسط ریش سفیدان و بزرگان اقوام صورت می گرفت نه از طریق صندوق رأي. در حالی که از روي معلوماتي که من دارم، صندوق رأي در آن پروسه اصلاً مطرح نبود، اما روح سخن درین جاست که ایشان فراموش کرده اند که با ختم دوره جهاد و طالبان، بزرگان قوم و ریش سفیدان دیگر وجود ندارند بلکه آنها جاي و قدرت خود را به قومندانان و تفنگ سالاران امروزي سپرده اند. اگر فرموده ایشان تطبیق هم میشد، باز هم اختیار به دست اخیر الذکران باقي میماند که در آینده نزدیک هم چنین خواهد بود.

۱- قابل ذکر است که داکتر صاحب در درازاي گفتار خود، يك طرح جدیدي را نیز پیشنهاد نمودند که يکي از لازمه هاي آن طرح "اتحاد سر تا سري مردم افغانستان" من حیث يك prerequisite بود که باید از پیش تأمین گردد. غافل ازین که با به وجود آمدن اتحاد سرتاسري مردم ما، همگی مشکلات سياسي داخلي ما به يك

سر از بین رفته و ضرورتی به باقی فرمایشات شان نمی افتد. هم اکنون در کشور ما میلیون ها نفر سوداي يك رژيم فدرالي (و حتي پارچه شدن افغانستان را) در سر مي پرورانند. بدون آن كه بفهمند فدراليزم يعني چه و تحت کدام شرایط به وجود آمده مي تواند. تنها يك عده قدرت طلب فهميده اند كه در چنين نظامي فرصت كسب قدرت و استفاده مادي بيشتر براي شان ميسر است. توصيه داکتر صاحب كه داستان مشهور "زنگوله انداختن به گردن پشك" را به پاد مي آورد، مثال خوبي از كليشي پروري است كه در بالا به عرض رساندم. يك موضوعی كه بايد حتماً به عرض داکتر صاحب برسانم اينست كه اولويت ها اكثرأ عندی بوده و از شخص تا شخص فرق ميكند. جای بسيار تعجب است كه درين شب و روز حساس كه عده ای انبوهی از نخبگان كاردان کشور ما در اندوه مناظره کاربرد كلمه دانشگاه به جای پوهنتون در خاك و خون می غلتند، جناب داکتر صاحب را اندیشه نجات وطن در سر افتاده است.

۲ - در مورد از بین بردن كشت ترياك نظر داکتر صاحب اين بود كه بايد اولاً براي ترياك يك "كشت بدیل" سراغ گردد و بعداً به كسانی كه به كشت اين گياه بدیل مي پردازند، پول سبسايدی داده شود. اين هم بد بختانه يك كليشي بسيار معروف است. بدین معنی كه:

اولاً براي كوكنار يك كشت بدیل وجود ندارد زیرا فرق بين عايد گندم و كوكنار از يك جريب زمين تا تقريباً يازده برابر به نفع كوكنار است. ثانياً در چند دهه قبل اگر يك دهقان مالك ده جريب زمين ميبود، از عايد همين ده جريب به بسيار خوبي اعاشه فاميل خود را كرده ميتوانست. ولي اکنون كه بعد از وفات او زمين مذکور بين پنج نفر اولاد او تقسيم گرديده، يگانه راه بقاء براي هر يك از اولاد های او، با دو جريب زمين، همانا كشت كوكنار است و بس. ثالثاً مقدارپولي كه اکنون جمعاً از فروش ترياك نصيب برزگران افغان ميگردد، تقريباً يك مليارد دالر در سال است. براي دادن سبسايدی كافي به دهاقين بايد فرق قيمت بين عايد گندم و كوكنار به آنها داده شود كه به محاسبه تخميني بالغ بر نهصد مليون دالر ميگردد. اين مقدار پول اولاً در حيطه امكانات ما نبوده و ثانياً اگر هم باشد از گاو "غود" آن به دهقان بيجاره نمی رسد. تجربه دو سال قبل كه همين پاليسي در آن زمان پياده گرديد، اين واقعيت را به اثبات مي رساند.

۳ - در جواب سؤال يکی از شنوندگان كه نسخه داکتر صاحب براي كوتاه ساختن دست همسايگان از امور داخلي افغانستان چه خواهد بود؟ داکتر صاحب يك "لويه جرگه انتقالی" را پيشنهاده نمودند كه در آن خود نمايندگان ملت طرق حل اين معضله را تجويز خواهند نمود. درين كليشي باز به دو مشكل برمي خوريم: يکي اينكه لويه جرگه آینده افغانستان به هيچ صورتي شبیه لويه جرگه های قبلي بوده نمی تواند چه از اثر تبدلات سياسي و اجتماعي كه درين چند سال اخير در کشور ما به وجود آمده، گمان نمی كنم كشمکش های ناشی از تضاد های قومي، زباني، منطقي و مذهبي به ما فرصتي بدهد تا روي چگونگی يك حكومت جديد بحث سالم و در خور صورت بگيرد. از جانب ديگر، مسأله مداخله همسايگان در امور داخلي ما يك موضوع چند بعدي بوده كه بايد از طريق ديپلماسي حل گردد نه توسط نمايندگان لويه جرگه و آقای كرزي از سالها به اين طرف نا مؤفانه در طلب پرسونل در خور براي اين منظور در پچالست.

۴ - در بخش پشتوي مصاحبه داکتر صاحب يك شنونده متوجه به عدم آشنایی داکتر صاحب با احوال مستولي بر کشور ما شده، توصيه نمود كه بايد داکتر صاحب به وطن تشریف آورده و طرح جديد خود را مسجد به مسجد با ملت افغان در ميان بگذارند؟ داکتر صاحب در جواب، اين توصيه را پسنديده و وعده نمودند كه همين كار را خواهند كرد. بايد به ايشان هشدار بدهم كه اگر احياناً چنين خيالي را در سر دارند، ترور شان توسط طالبان، در مسجد سوم لابد و حتمي خواهد بود (خدا نا خواسته).

در پايان گفتار مي خواهم به داکتر صاحب توصيه كنم كه يگانه راه برون رفت از سردرگمي روي دست، تدارك پرسونل وارد (در همه وجوه زندگي) ماست كه در شرايط فعلي، نه اين كدر را در دسترس داريم و نه با معارف امروزی ما اميدي براي آن در آینده نزديك ديده ميشود. الله ياور.

يادداشت:

نيشته ارزشمند آقای "موسی" از نظرتان گذشت، ايشان به درستی بر قسمت های از صحبت آقای "وحيد وحيد الله" انگشت انتقاد گذاشتند، اما نبايد چنين تصور شود كه گویا با بخش های ديگر آن موافقتی وجود دارد، كه هرگز چنين مباد! صرف نظر از آنكه بعد از افشاء گری های آقای "مسكين يار" با گفته های آقای "وحيد" بايد با دقت بيشتر از قبل برخورد نموده تعلقات قبلی اش را به مزدوران روس واز آن طريق با نهاد های استخباراتي شوروی ديروز وروسيه امروز از نظر دور نداشت، ما را اعتقاد بر آن است كه جلسه بن ابتكار هر کسی بوده باشد، آن ابتكار حلقه ننگيست بر گردن طراح آن. زیرا اين كنفرانس بودكه،

- بر تجاوز کشور های امپریالیستی بالای افغانستان صحنه گذاشته ، امکان عملی آنرا به وجود آورد تا اشغالگران امپریالیستی، تجاوز عریان شان را بر کشور غرقه در خون ما، به مثابه یک اقدام "آزادبخش" تبلیغ نموده، خلقهای افغانستان، منطقه و جهان را به گمراهی اسارت آور سوق دهند.

- ترکیب " قبرس ، پشاور، روم ، اتحاد شمال" که در اصل نیروهای آتی بودند " حکمتیار و ایران، آی. اس. آی. ، امپریالیزم غرب، روسها، ایران و هند" در عمل کشور ما افغانستان و حیات مردم آنرا به حراج سیاسی بین همسایگان و سایر کشور های مداخله گر گذاشته قیمومیت آنها را بر افغانستان تسجیل نمود.

- با توافق به ایجاد اداره مستعمراتی کرزی در غیاب مردم ما، بر استقلال و حاکمیت ملی ما خط بطلان کشیده ارزشی بیشتر از معاهده سه جانبه "رنجیت سنگهه، انگلیسها و شاه شجاع" ندارد.

- ترکیب اداره مستعمراتی و تقسیم چوکی های قدرت به اساس تعلقات قومی، زبانی و مذهبی؛ در عمل توافق با برنامه های شیطانی اجانب به منظور تجزیه افغانستان سمت گیری نموده، خیانتیست آشکار علیه وحدت ملی و جغرافیایی کشور.

- با به قدرت برگرداندن جنایت کاران جنگی و ناقضین حقوق بشر در سه دهه اخیر بر خون یک ونیم ملیون شهید، و حق صد ها هزار قربانی دیگر پا گذاشت.

- در آستین نگهداشتن طالب به خاطر ایفای نقشهای بعدی در خدمت استعمار و ارتجاع

- و . . .

با در نظر داشت مطالب بالا، و ده ها نکته دیگر، مارا عقیده بر آن است که کنفرانس بن حلقه ای ننگیست برگردن طراحان و مجریان آن.

پورتال AA-AA